**درس خارج فقه استاد سید محمد جواد شبیری**

**جلسه 057– 11 /10/ 1400 اشتراط بلوغ در زکات /من تجب علیه الزکاه** **/زکات**

**خلاصه مباحث گذشته:**

متن خلاصه ...

## معنای «الغلّات» در صحیحه زراره و محمد بن مسلم

بحث درباره روایت زراره و محمد بن مسلم بود.

عَنْ زُرَارَةَ وَ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ وَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع أَنَّهُمَا قَالا مَالُ الْيَتِيمِ لَيْسَ عَلَيْهِ فِي الْعَيْنِ وَ الصَّامِتِ شَيْ‏ءٌ فَأَمَّا الْغَلَّاتُ فَإِنَّ عَلَيْهَا الصَّدَقَةَ وَاجِبَةً.[[1]](#footnote-1)

احتمالاتی درباره معنای «الغلّات» مطرح شد. اما انصاف این است که ظهور «الغلات» خود غلات است نه چیزی که وسیله دخل است. ظاهرا مراد از «الغلات» غلاتی است که زکات آن بر بالغین واجب است زیرا الف و لام در آن عهد است و به همین دلیل، منحصر در غلات اربعه می شود. مشکل این بود که چرا روایت به مواشی نپرداخته است؟ این مشکلی است که حتی اگر نتوانیم آن را حل کنیم، نمی توان «الغلات» را از ظاهرش که خود غلات است به مستغلات صرف دهیم. در مباحث آینده بیشتر درباره این بحث خواهیم کرد.

## محورهای اختلاف در زکات مال صغیر

به هر حال، در سه مورد در ثبوت زکات در مال یتیم اختلاف است:

1. ثبوت زکات در مال یتیم در صورتی که با آن تجارت شود.
2. ثبوت زکات در غلات اربعه یتیم.
3. ثبوت زکات در مواشی یتیم.

اما در غیر غلات و مواشی یعنی دراهم و دنانیری که با آن تجارت نمی شود، زکات ثابت نیست و قدر متیقن روایات و اقوال فقهای امامیه همین مورد است. یتیم نیز خصوصیت ندارد و درهم و دنانیر صبی که با آن تجارت نمی شود، زکات ندارد.

موارد اختلاف را یک به یک بحث می کنیم.

### بررسی ثبوت زکات در مال التجاره صغیر

اولین مورد اختلاف در مال التجاره یتیم است. بحثی کلی در مال التجاره کبیر وجود دارد که آیا زکات ثابت است؟ فرض را بر آن می گذاریم که در مال التجاره کبیر، زکات مستحب است. با این فرض، آیا مال التجاره صغیر خصوصیتی دارد و زکات در آن واجب است؟

#### اقوال فقها

به نظر می رسد، یتیم خصوصیت خاصّی ندارد و زکات در مال التجاره صغیر واجب نیست و مستحب است. البته و لو به حسب ظاهر بدوی، دو قول از عبارات فقها استفاده می شود. بنده اقوال فقهای امامیه را جمع بندی کردم و آن را در قالب عبارتی نوشتم:

فی الزکاه فی مال الیتیم اذا اتّجر به قولان و لو بحسب الظاهر البدوی لعبائر الاصحاب رحمهم الله.

الاول: الوجوب یظهر ذلک من عباره فقه الرضا و علی بن بابویه و ابنه فی المقنع و الفقیه و کذا فی المقنعه و قد فسّر الشیخ فی التهذیب الوجوب فی کلامه بالندب و الاستحباب و لعلّه المراد بالوجوب فی کلام سائر الاصحاب.

الثانی: الاستحباب و قد صرّح به الشیخ فی التهذیب و النهایه و المبسوط و ابن البراج فی المهذّب و الکیدری فی اصباح الشیعه و المحقق فی الشرائع و المختصر النافع و یظهر عدم وجوب الزکاه فی ما یتّجر من اموال الایتام من اطلاق کلام من نفاها فی اموالهم او فی الدراهم و الدنانیر من اموالهم او شرط فی وجوبها البلوغ و هم السید المرتضی فی جمل العلم و العمل و الناصریات و ابو الصلاح الحلبی فی الکافی و الشیخ فی الجمل و العقود و الخلاف و السلّار فی المراسم و ابن ابی المجد الحلبی فی اشاره السبق و ابن حمزه فی الوسیله و ابن زهره فی الغنیه و ابن ادریس فی السرائر و الفاضل الآبی فی کشف الرموز فی شرح المختصر النافع فتأمّل.

برخی از مواضع این عبارت نیازمند توضیح است.

##### قائلین به وجوب زکات مال التجاره صغیر

«و لو بحسب ظاهر بدوی» به خاطر تعبیر «فی مال الیتیم اذا اتّجر به زکاه» است که ابهام دارد و روشن نیست مراد از آن وجوب زکات یا استحباب زکات است؟ هر چند امکان دارد گفته شود: ظهور اولی «فی» وجوب زکات است و گرنه در صورتی که زکات مستحب بود، با استحباب تعبیر می کرد. اما این تعبیر صلاحیت حمل بر استحباب را نیز دارد.

در فقه الرضا می نویسد:

و ليس في مال اليتيم زكاة إلا أن يتجر بها فإن اتجرت به ففيه الزكاة[[2]](#footnote-2)

از علی بن بابویه نقل شده است:

و قال علىّ بن بابويه: و ليس في مال اليتيم زكاة الّا أن يتّجر به، فان اتّجر به ففيه زكاة و الربح لليتيم[[3]](#footnote-3)

شیخ صدوق در فقیه می نویسد:

وَ لَيْسَ عَلَى مَالِ الْيَتِيمِ زَكَاةٌ إِلَّا أَنْ يُتَّجَرَ بِهِ فَإِنِ اتُّجِرَ بِهِ فَفِيهِ الزَّكَاةُ وَ الرِّبْحُ لِلْيَتِيمِ[[4]](#footnote-4)

همچنانکه تعبیر «فی مال الیتیم زکاه» ابهام داشت، تعبیر«علی مال الیتیم زکاه» نیز ابهام دارد زیرا زکات بر مال قرار داده شده و محتمل است به خاطر استحباب پرداخت زکات از اموال طفل توسط ولیّ باشد. علت این مطلب آن است که «علی» به معنای حقیقی بر «مال» قرار نمی گیرد زیرا مخاطب احکام، مال نیست و مخاطب حکم تکلیفی نسبت به مال صغیر، ولیّ اوست. حال استعمال «علی» می تواند به اعتبار حکم وضعی ثبوت زکات در مال طفل یا وجوب پرداخت زکات بر ولیّ باشد و می تواند به اعتبار استحباب پرداخت زکات توسط ولیّ باشد. بر خلاف جایی که «علی» بر شخص وارد شود که ظهور در وجوب و لو به نحو وجوب وضعی دارد. مانند «علی الطفل فی هذا المال زکاه» که ظهور در وجوب وضعی در مال طفل دارد. بنده در متن اقوال فقها، تمام این تعبیرات را حمل بر وجوب کردم و «به حسب ظاهر بدوی» نیز به همین دلیل است. هر چند ظهور این تعابیر در وجوب، قوی نیست.

شیخ صدوق در المقنع می نویسد:

اعلم أنه ليس على مال اليتيم زكاة إلا أن يتجر به، (فإن اتجر به) فعليه الزكاة[[5]](#footnote-5)

«فعلیه الزکاه» به قرینه تقابل با «لیس علی مال الیتیم زکاه»، ظهور در این دارد که «علی مال الیتیم زکاه». همانگونه که بیان شد، این تعبیر ابهام دارد هر چند ظهور بدوی آن وجوب است و حتی شاید کسی ظهور بدوی آن را انکار کند.

در المقنعه شیخ مفید آمده است:

و لا زكاة عند آل الرسول ع في صامت أموال الأطفال و المجانين من الدراهم و الدنانير إلا أن يتجر الولي لهم أو القيم عليهم بها فإن اتجر بها و حركها وجب عليه إخراج الزكاة منها[[6]](#footnote-6)

این عبارت، صریح ترین عبارتی است که از آن وجوب زکات مال یتیم استفاده می شود. زیرا «وجب علیه اخراج الزکاه منها» ظهور در این دارد که «وجب علی الولیّ او القیّم اخراج الزکاه منها» و همانگونه که بیان شد، در صورتی که «علی» بر شخص وارد شود، ظهور در وجوب تکلیفی دارد.

##### حمل اقوال ظاهر در وجوب بر استحباب

مرحوم شیخ طوسی این عبارت که صریح ترین عبارت در وجوب زکات مال یتیم است را حمل بر استحباب کرده است. ایشان در تهذیب می نویسد:

فَأَمَّا ‌قَوْلُ الشَّيْخِ رَحِمَهُ اللَّهُ فَمَتَى اتُّجِرَ بِهِ وَجَبَ فِيهِ الزَّكَاةُ. إِنَّمَا يُرِيدُ بِهِ النَّدْبَ وَ الِاسْتِحْبَابَ دُونَ الْفَرْضِ وَ الْإِيجَابِ لِأَنَّهُ لَا فَرْقَ بَيْنَ أَنْ يُتَّجَرَ بِهِ أَوْ لَا يُتَّجَرَ بِهِ فِي أَنَّهُ لَا تَجِبُ فِيهِ الزَّكَاةُ وُجُوبَ الْفَرْضِ الَّذِي يُسْتَحَقُّ بِهِ بِتَرْكِهِ الْعِقَابُ[[7]](#footnote-7)

شیخ طوسی عبارت شیخ مفید را اینگونه نقل کرده است: « فَمَتَى اتُّجِرَ بِهِ وَجَبَ فِيهِ الزَّكَاةُ» در حالی که عبارت شیخ مفید به این صورت بود: «فإن اتجر بها و حركها وجب عليه إخراج الزكاة منها». شیخ طوسی کلام شیخ مفید را نقل به معنا کرده است و اگر عبارت به نحوی بود که شیخ طوسی نقل کرده، راحت تر می توان آن را حمل بر استحباب کرد زیرا «وجب» به معنای «ثبت» می تواند باشد در حالی که اگر با «علی» متعدّی شود و متعلّق «علی» شخص باشد، حتی حمل «وجب» بر «ثبت» نیز مانع ظهور عبارت در وجوب نمی شود زیرا خود «علی الولیّ اخراج الزکاه» ظهور در وجوب دارد و «ثبت» نکته جدیدی را اضافه نمی کند. پس مهم آن است که متعلق «علی» شخص باشد که در این صورت، ظهور در وجوب دارد. چه متعلق «علی» ولیّ، چه قیم و حتی طفل باشد. در صورتی که متعلق «علی» طفل باشد، «علی الطفل» ظهور در ثبوت وضعی و بر عهده آمدن شیء بر طفل دارد و ولیّ یا قیّم یا صبیّ بعد از بلوغ موظّف هستند این عهده را تفریغ کنند.

به هر حال شیخ طوسی اینگونه تعبیر کرده است:

فَأَمَّا ‌قَوْلُ الشَّيْخِ رَحِمَهُ اللَّهُ فَمَتَى اتُّجِرَ بِهِ وَجَبَ فِيهِ الزَّكَاةُ. إِنَّمَا يُرِيدُ بِهِ النَّدْبَ وَ الِاسْتِحْبَابَ دُونَ الْفَرْضِ وَ الْإِيجَابِ لِأَنَّهُ لَا فَرْقَ بَيْنَ أَنْ يُتَّجَرَ بِهِ أَوْ لَا يُتَّجَرَ بِهِ فِي أَنَّهُ لَا تَجِبُ فِيهِ الزَّكَاةُ وُجُوبَ الْفَرْضِ الَّذِي يُسْتَحَقُّ بِتَرْكِهِ الْعِقَابُ أَ لَا تَرَى أَنَّهُ لَوْ كَانَ هَذَا الْمَالُ لِلْبَالِغِ وَ اتَّجَرَ بِهِ لَمَا وَجَبَتْ عَلَيْهِ فِيهِ الزَّكَاةُ وُجُوبَ الْفَرْضِ عَلَى مَا سَنُبَيِّنُهُ فِيمَا بَعْدُ إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَى[[8]](#footnote-8)

ایشان متعرّض نکته جالبی درباره روایات شده و بعید نیست کلمات فقها نیز با توجه به نکته ای که ایشان می فرمایند، دالّ بر استحباب باشد. ایشان بیان کرده: در آینده خواهیم گفت که در مال التجاره کبار، زکات مستحب است و واجب نیست. با این فرض، واجب شدن زکات در مال التجاره صغیر و خصوصا یتیم که پدر ندارد، امر بسیار غریبی است و خلاف مرتکز است. همین خلاف مرتکز بودن باعث می شود که حتی در صورتی که وجوب در روایات به کار رفته باشد، مراد این باشد که به همان سبکی که برای کبار زکات ثابت است، بر صغار ثابت است. همچنانکه برخی از روایات دالّ بر زکات در مال التجاره کبار، ظهور در وجوب دارند که به قرینه روایات دیگر که بیان کرده در مال التجاره زکات نیست، حمل بر استحباب شده است. پس همچنانکه روایاتی که به ظهور بدوی در وجوب زکات در مال التجاره کبار دارند، به قرینه روایات دیگر حمل بر استحباب می شوند، روایاتی که ظهور بدوی در وجوب زکات در مال التجاره صغار دارند، حمل بر استحباب می شوند.

نکته ای که باعث شده، مال التجاره صغار تخصیص به ذکر داده شود این است که استحباب ثابت درباره کبار در حق صغار نیز ثابت است و به همین دلیل ولیّ حق دارد به این استحباب عمل کند. در صورتی که حق واجبی در مال یتیم یا صغیری که قیّم یا ولیّ دارند، وجود داشته باشد، قیّم و ولیّ موظّف هستند این حق واجب را اداء کنند حتی در صورتی که حق مستحبی در مال یتیم یا صغیر وجود داشته باشد، بر قیّم و ولیّ مستحب است که این حق استحبابی را از مال یتیم و صغیر اخراج کنند. همین که نوعی استحباب در مال یتیم باشد ولی متوجه به قیّم و ولیّ باشد نیازمند ذکر است و به عبارتی دیگر، توهّم حظر وجود داشته که باعث شده، زکات مال التجاره یتیم تخصیص به ذکر داده شود.

##### ظهور روایات ظاهر در وجوب بر استحباب

هیچ یک از روایات، ظهور قابل توجهی در وجوب زکات در مال التجاره صغیر ندارد.

در صحیحه یونس بن یعقوب وارد شده بود:

أَنَّ لِي إِخْوَةً صِغَاراً فَمَتَى تَجِبُ عَلَى أَمْوَالِهِمُ الزَّكَاةُ قَالَ إِذَا وَجَبَتْ عَلَيْهِمُ الصَّلَاةُ وَجَبَتِ الزَّكَاةُ قُلْتُ فَمَا لَمْ تَجِبْ عَلَيْهِمُ الصَّلَاةُ قَالَ إِذَا اتُّجِرَ بِهِ فَزَكِّهِ.[[9]](#footnote-9)

«زکّه» در ذیل این روایت به قرینه صدر، ظهور در استحباب دارد زیرا اگر سائل سوال نکرده بود، امام علیه السلام نمی فرمود. در صورتی که اگر واجب بود، امام علیه السلام باید در پاسخ به سوال اول، می فرمود.

سوال: شاید فرد نادر بوده و به همین دلیل حضرت علیه السلام ابتدا نفرموده است.

پاسخ: این فرض نادر نیست به خصوص آنکه عامه از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم امر به تجارت با مال یتیم را نقل کردند تا مال یتیم از بین نرود. (ابتغوا فی مال الیتیم لا تستأکلها الصدقه) همین نقل ها باعث می شود، تجارت با مال یتیم نادر نباشد.

در روایت محمد بن الفضیل وارد شده بود:

عَنْ صِبْيَةٍ صِغَارٍ لَهُمْ مَالٌ بِيَدِ أَبِيهِمْ أَوْ أَخِيهِمْ هَلْ تَجِبُ عَلَى مَالِهِمْ زَكَاةٌ فَقَالَ لَا تَجِبُ فِي مَالِهِمْ زَكَاةٌ حَتَّى يُعْمَلَ بِهِ فَإِذَا عُمِلَ بِهِ وَجَبَتِ الزَّكَاةُ فَأَمَّا إِذَا كَانَ مَوْقُوفاً فَلَا زَكَاةَ عَلَيْهِ.[[10]](#footnote-10)

همانگونه که بیان شد، زکات بر مال ظهور قوی در وجوب زکات ندارد.

در روایت عمر بن ابی شعبه وارد شده بود:

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: سُئِلَ عَنْ مَالِ الْيَتِيمِ فَقَالَ لَا زَكَاةَ عَلَيْهِ إِلَّا أَنْ يُعْمَلَ بِهِ.[[11]](#footnote-11)

در سایر روایات نیز تعبیر «فی مال الیتیم زکاه» یا «علی مال الیتیم زکاه» وارد شده که نمی توان از آنها وجوب زکات را استفاده کرد. حتی در صورتی که با تعبیر «وجب» وارد شده باشد، به معنای «ثبت» است. حتی گاهی «وجب علی المکلّف» حمل بر تأکّد استحباب می شود چنانچه در برخی از روایات غسل جمعه، «وجب» با علی متعدّی شده و به مکلّف نیز تعلّق یافته است.

در نتیجه، کلمات فقها غیر از عبارت مرحوم شیخ مفید، ظهور در وجوب زکات در مال التجاره ندارد و حتی نمی توان ظهور بدوی آنها را پذیرفت. تنها عبارتی که ظهور قابل توجهی در ظهور زکات در مال التجاره صغیر دارد، عبارت مرحوم شیخ مفید است ولی به نظر می رسد، حمل این عبارت بر استحباب چنانچه شیخ طوسی بیان کرده، صحیح است. باید دقت داشت: مراد این نیست که ظهور «وجب» در وجوب اصطلاحی نیست بلکه مراد این است که «وجب» را می توان بر استحباب حمل کرد حتی در مواردی که وجوب با «علی» به شخص تعلّق گرفته باشد. هر چند در مورد بحث، وجوب به این نحو تعلّق نگرفته است. در نتیجه، اثبات وجوب زکات در مال التجاره طفل با فرض عدم وجوب زکات در مال التجاره کبار، بسیار مشکل است. چنانچه بیشتر علما قائل به وجوب نشدند.

#### تلازم بین ثبوت و نفی زکات در مال یتیم و مال طفل

این نکته نیازمند تذکّر است که اگر در مال یتیم زکات نفی شود، نمی توان ذاتا نفی زکات در مال سایر صغار را نتیجه گرفت. اما معنای اثبات زکات در مال یتیم این است که بلوغ شرط نیست و فرقی بین یتیم و سایر صغار نیست. پس از جهت اثباتی بین ثبوت زکات در مال یتیم و ثبوت زکات در مال صغیر ملازمه عرفی وجود دارد. البته نسبت به نفی نیز می توان ملازمه را اثبات کرد زیرا مباحث مطرح بین عامه، عمدتا در این باره است که آیا در زکات بلوغ معتبر است؟ و تفصیل بین یتیم و غیر یتیم، در کلام عامّه مطرح نیست. هر چند در برخی از کلمات آنها، تعلیلی بیان شده که شارع مقدّس رعایت حال یُتم او را کرده است اما این عبارات در زمان های متأخر است و در زمان صدور روایات، بین عامه تفصیل بین عدم ثبوت زکات در مال یتیم و ثبوت زکات در مال غیر یتیم وجود ندارد. به همین دلیل می توان از روایاتی که زکات را در مال یتیم نفی کرده، الغای خصوصیت کرد و زکات را در مطلق مال صغیر نفی کرد. از همین رو، این جهت در کلمات فقها مورد توجّه قرار نگرفته است. در نتیجه به نظر می رسد بین یتیم و غیر یتیم در ثبوت و نفی زکات تفاوتی نیست.

#### وجه تخصیص به ذکر یتیم در روایات زکات

خیلی از مواقع کلمه «یتیم» به جهت حکم دیگری که در مسأله است، موضوع قرار داده شده است. در برخی از روایات تجارت، «مال الیتیم» موضوع قرار گرفته تا سوال شود آیا قیّم یتیم در صورتی که با مال یتیم تجارت کند، ضامن است؟ ما در مقام بحث از این جهت نیستیم هر چند به نظر می رسد، از ناحیه تجارت با مال یتیم، در صورت سود بردن، ربح برای یتیم است و در صورت خسران، قیّم ضامن است. یکی از اهداف تجارت با مال یتیم بین عامه این است که اموال یتیم زیاد شود و متعلّق زکات قرار نگیرد. چنانچه نقل کرده اند: «ابتغوا فی اموال الیتامی لا تستأکلها الصدقه». عامّه مال یتیم را متعلّق زکات می دانند و بیان می کنند: اگر با مال یتیم تجارت نشود، هر سال بر مال یتیم صدقه واجب می شود و در نتیجه، مال یتیم تمام می شود. برای جلوگیری از این اتفاق، با مال یتیم تجارت کنید و از مال او ربح مطالبه کنید تا مال یتیم افزایش یابد و با صدقه کسر نشود و مقداری که به وسیله زکات کسر می شود، به وسیله سود جبران شود.

در نتیجه، دو بحث درباره مال یتیم وجود دارد: یکی استحباب تجارت در مال یتیم و ضمانت ولیّ در صورت خسران و دیگری ثبوت زکات در مال یتیم در صورت تجارت با آن است. هر چند از ناحیه دوم تفاوتی بین یتیم و غیر یتیم وجود ندارد اما تخصیص به ذکر یتیم در برخی از روایات به خاطر نظارت به حکم اول است نه آنکه در بحث ثبوت زکات یا عدم ثبوت زکات، مال یتیم خصوصیت داشته باشد. البته روایات ما بیان کرده: مال یتیم زکات ندارد اما مطلب دیگر که بین عامه با هم مطرح بوده را بیان کرده است که ولیّ می تواند با اموال یتیم تجارت کند و در برخی از روایات بیان شده، در صورت خسران، ولیّ ضامن است. البته در فرض ظهور ربح، اختلاف است و برخی از روایات ربح را از ولیّ نفی کرده و در برخی دیگر از روایات، بیان شده: ولیّ می تواند بخشی از سود را برای خود بردارد. در کلام صدوق نیز اختلاف روایات در این جهت که ولیّ می تواند از سود مال یتیم بردارد، نقل شده و ایشان نیز با تردید در این باره صحبت کرده است. البته ما ناظر به این بحث نیستیم.

سوال: در روایتی وارد شده است: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع مَالُ الْيَتِيمِ يَكُونُ عِنْدِي فَأَتَّجِرُ بِهِ فَقَالَ إِذَا حَرَّكْتَهُ فَعَلَيْكَ زَكَاتُهُ قَالَ قُلْتُ فَإِنِّي أُحَرِّكُهُ ثَمَانِيَةَ أَشْهُرٍ وَ أَدَعُهُ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ قَالَ عَلَيْكَ زَكَاتُهُ.[[12]](#footnote-12)

پاسخ: «علیک زکاته» و لو به قرینه سایر روایات، حمل بر استحباب می شود. شیخ طوسی در تهذیب[[13]](#footnote-13) توجیهاتی را درباره «علیک زکاته» بیان کرده که پرداخت زکات از مال تاجر لازم نیست بلکه روایت بیان می کند: از مال یتیم زکات پرداخت شود و تاجر مستحب است زکات را پرداخت کند.

به هر حال، با این فرض – که خود نیازمند بحث است- که در مال التجاره زکات بر بالغین واجب نیست، وجوب زکات در مال التجاره صغار بسیار دشوار است و همان روایاتی که ادله ظاهر در وجوب زکات در مال التجاره کبار را حمل بر استحباب می کند، روایات ظاهر در وجوب زکات در مال التجاره صغار را حمل بر استحباب می کند.

بحث عمده دو مرحله دیگر است که آیا در غلّات صبی، زکات ثابت است؟ و آیا در مواشی صبی، زکات ثابت است؟ که در جلسه آینده در این باره بحث خواهیم کرد.

1. [تهذیب الاحکام، شیخ طوسی، ج4، ص29.](http://lib.eshia.ir/10083/4/29/) [↑](#footnote-ref-1)
2. فقه الرضا علیه السلام؛ ص: 198 [↑](#footnote-ref-2)
3. [مختلف الشیعة فی أحكام الشریعة، علامه حلی، ج3، ص152.](http://lib.eshia.ir/71559/3/152/) [↑](#footnote-ref-3)
4. [من لا یحضره الفقیه، شیخ صدوق، ج2، ص16.](http://lib.eshia.ir/11021/2/16/) [↑](#footnote-ref-4)
5. [المقنع، شیخ صدوق، ج، ص163.](http://lib.eshia.ir/10050//163/) [↑](#footnote-ref-5)
6. [المقنعه، شیخ مفید، ج، ص238.](http://lib.eshia.ir/15114//238/) [↑](#footnote-ref-6)
7. [تهذیب الاحکام، شیخ طوسی، ج4، ص27.](http://lib.eshia.ir/10083/4/27/) [↑](#footnote-ref-7)
8. [تهذیب الاحکام، شیخ طوسی، ج4، ص27.](http://lib.eshia.ir/10083/4/27/) [↑](#footnote-ref-8)
9. [الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، ج3، ص541.](http://lib.eshia.ir/11005/3/541/) [↑](#footnote-ref-9)
10. [تهذیب الاحکام، شیخ طوسی، ج4، ص27.](http://lib.eshia.ir/10083/4/27/) [↑](#footnote-ref-10)
11. [تهذیب الاحکام، شیخ طوسی، ج4، ص27.](http://lib.eshia.ir/10083/4/27/) [↑](#footnote-ref-11)
12. [الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، ج3، ص541.](http://lib.eshia.ir/11005/3/541/) [↑](#footnote-ref-12)
13. [تهذیب الاحکام، شیخ طوسی، ج4، ص28.](http://lib.eshia.ir/10083/4/28/) قَوْلُهُ ع إِذَا حَرَّكْتَهُ فَعَلَيْكَ زَكَاتُهُ الْمُرَادُ بِهِ أَنَّهُ عَلَيْكَ تَوَلِّي إِخْرَاجِ زَكَاتِهِ دُونَ أَنْ يَكُونَ ذَلِكَ لَازِماً فِي مَالِهِ لِأَنَّهُ إِذَا اتَّجَرَ بِالْمَالِ ضَمِنَهُ وَ إِذَا ضَمِنَهُ لَمْ يَلْزَمْهُ مَعَ ذَلِكَ إِخْرَاجُ الزَّكَاةِ مِنْ مَالِهِ [↑](#footnote-ref-13)